

صبح که شد، شب روان ستوده می‌شوند^(۱)

امروز در آمریکا قطارها و اتوبوس‌های عمومی بدون بلیط مردم را سوار می‌کردند! اما نه انقلاب شده و نه کسی و عده آب و برق مجانی داده بود! چرا کسی تعجب نمی‌کرد و چیزی نمی‌پرسید؟... دلایلش را از رادیو شنیدم؛ روز بزرگداشت زن سیاه پوست آفریقایی تباری است که علیه تبعیضات نژادی در آمریکا، از واگذار کردن صندلی خود به مرد سفید پوستی که تازه سوار اتوبوس شده بود، خودداری کرد!

«رزا پارکس» ۶۸ سال پیش با این نافرمانی مدنی، طلسم تبعیضی را شکست که سیاه‌پوستان را مجبور می‌کرد فقط از در عقب سوار شوند و در صورت ورود سفید پوستی از در جلو صندلی خود را تقدیم او کنند، گرچه او بازداشت و جریمه شد، ولی جراتش جنبشی به راه انداخت که کشیش سیاه‌پوست جوانی (مارتین لوتر کینگ) تحریم گسترده آن شبکه اتوبوسرانی را رهبری و مجبورشان کرد این تبعیض را بردارند.

۹ سال پس از این نافرمانی مدنی، قانونی به تصویب رسید که قلم بطلان بر این تبعیضات کشید و امروز آن اتوبوس را در موزه هنری فورد نگهداری می‌کنند تا نسل‌های بعد چنین ننگی را فراموش نکنند. «مارتین لوتر کینگ» و «رزا پارکس»، از «شب روانی» بودند که در ظلمات ظلم، راهی به صبح آزادی و عدالت اجتماعی گشودند.

مارتین در ۳۵ سالگی پس از ۹ سال رهبری تظاهرات ترور شد ولی «رزا» زنده ماند و بنیادی را برای حقوق مردم در دیترویت تأسیس کرد و در سال ۱۹۹۶ رییس جمهور وقت، «بیل کلینتون» مدال آزادی را به او تقدیم کرد.

مهم نیست که اولی قبل از صبح آزادی و دومی پس از آن رفتند، همه خواه ناخواه می‌رویم، خوش به حال کسانی که «ستاره شب» و ماه ظلمت زدگان می‌شوند. صبح که شد، به خواب ماندگانی که شب روان را در مقصد می‌بینند سخت نادم می‌شوند که چرا مثل آنها همت و هنر نکردند.

این وجه تسمیه امروز بود، اما درست دیروز؛ ۱۲ بهمن سال ۱۳۵۷ مردی از مهد آزادی به فرودگاه مهرآباد گام گذاشت که با تبدیل «همه با هم» به «همه با من»، ظلمت فراگیرتری از تبعیض را با نظریه «ولایت مطلقه فقیه» بر سرزمین ما گستراند که ۴۴ سال است امنیت، آزادی و حاکمیت ملت از وطن ما رخت بسته است. تاریخ دائماً تکرار می‌شود و ملت‌ها تنها در بوته سختی‌ها ساخته و سزاوار حاکمیت بر سر نوشت خود می‌شوند.

این وعده الهی است که: «خدا سر نوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که خود نفسانیاتشان را تغییر دهند»^(۲) و

نیز از جهت مثبت: «خدا هرگز نعمتی را که بر مردمی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که خود تغییر کنند»^(۳).

جنبش «زن، زندگی، آزادی»، رزا پارکس‌ها و مارتین لوتر کینگ‌های فراوانی تاکنون به ظهور رسانده است، صدها نفر به پیمان خویش وفا کرده و جانشان فدا کرده‌اند و ده‌ها هزار نفر در انتظارند، انتظار یاری خدا و خلق او تا این شب تاریک و طولانی را به صبح برسانند.

بی تردید موعد آنان صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟^(۴)

۱ - ضرب‌المثلی است قدیمی میان اعراب باستان که به دلیل گرمای منطقه استوایی، برای سفر در صحاری داغ و سوزان باید بر خواب غلبه کرده و در تاریکی شب سفر کنند. «عِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْفَوْمُ السُّرَى»

۲ - رعد ۱۱ - «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»

۳ - انفال ۵۳ - «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»

۴ - سوره هود آیه ۸۱ - «...إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ الْأَيْسَرُ الصُّبْحُ بَقَرِيْبٍ»